

خدمت صالح

از مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ که در کشور روسیه برگزار شد، مدت زیادی نگذشته است و تقریباً همه شما و معلمان و دانش آموزان و والدین ایشان اغلب این مسابقات، به ویژه بازی های تیم فوتبال ایران، را به دقت تماشا کرده اید. لابد کریستین رونالدو، ستاره جام جهانی و قهرمان بلامنازع فوتبال جهان، را به خوبی به یاد دارید که چگونه در دام فوتبالیست های ایرانی گرفتار شده بود و بال بال می زد؛ به ویژه زمانی که بیرانوند، دروازه بان باغیرت ایران، راه توپ او را در پنالتی حاصل از ویدیوچک بست! که حتی مقام معظم رهبری دروازه بانی بیرانوند را غیرتمندانه توصیف کردند. بله، منظورم را به درستی فهمیدید که اگر تیم نباشیم، حتی اگر تک تک، ستاره های بزرگی هم باشیم، از ما کاری ساخته نیست. مثالی دیگر، ستاره جام جهانی تیم آرژانتین، لیونل مسی است. او نیز مانند رونالدو ناکام ماند و تیم های این هر دو، زود هنگام با جام جهانی خداحافظی کردند. برعکس فوتبال ایران، ژاپن، اروگوئه و کروواسی که ستاره جام جهانی هم نداشتند، قهرمانانه تاختند و طرفدارانشان را شادمان و راضی کردند.

حال چند نکته:

اول اینکه، لازمه موفقیت و اثربخش بودن، همدلی، همکاری و هماهنگی به سان یک تیم منسجم است. تیم فوتبال، رشته ای مانند دوومیدانی نیست که هرکس خودش به پایان خط برسد و برای خود هورا بکشد. در تیم فوتبال زدن گل پیروزی بخش در گرو رساندن درست توپ به عضوی است که وظیفه گل زدن برای او تعریف شده است. موقعی هم می شود توپ درست را به او رسانند، که از دروازه بان گرفته تا بقیه، وظایفشان را درست انجام دهند. در تیم کوهنوردی نیز که هدف فتح قله های بلند است، سرعت نفر اول را نفر آخر تعیین می کند. این طور نیست که نفر اول به قله برسد و اجازه یابد سرود فتح بخواند. تیم زمانی

پیروز است که نفر آخر هم به قله برسد. وقتی همه به نقطه پایان رسیدند سرود فتح طنین انداز می شود و پرچم تیم بر فراز قله های فتح به اهتزاز در می آید.

دوم آنکه، همه تلاش، دقت و عشقمان را به کار می بندیم تا گل پیروزی را بزنیم یا به قله برسیم. در این صورت، حتی اگر نتوانیم موفق شویم، طرفداران و منتظران ما از ما راضی اند؛ زیرا می دانند حداکثر تلاشمان را کرده ایم و از هیچ کوششی برای پیروزی دریغ نورزیده ایم. شاهد این حکم را در مسابقه های تیم فوتبال ایران در جام جهانی با سه تیم بزرگ مراکش، اسپانیا و پرتغال مشاهده کردیم. در هر سه حال مردم قدرشناس، شادی کردند؛ وقتی پیروز شدیم، وقتی مساوی کردیم و حتی زمانی که باختیم. چرا؟

جوابش را خودتان بهتر می دانید. داشتن هدف، همت والا، همدلی و همکاری، از خودگذشتگی و ایثار.

سوم آنکه، رهبری عالم و آگاه و انگیزه بخش بسیار مهم و ضروری است. دیدید که سرمربی تیم چگونه با تعصب از استعدادها و ظرفیت ها، تیم ساخت و همه را در رسیدن به هدف برانگیخت. **چهارم**، برخورداری از طرفداران با شور و شوق و قدرشناس و مشوق است؛ آنانی که احساس مثبت و خوشی به اعضای تیم می بخشند. ما نیز برای قرار گرفتن در جایگاه رهبران اثربخش، باید یاد بگیریم که رهبرانی خردمند و شرافتمند باشیم. کارمان را خوب بلد باشیم و با کسانی که به نوعی بر سازمان ما اثر می گذارند یا از آن تأثیر می پذیرند ارتباط برقرار کنیم و با آنان تعامل مثبت داشته باشیم؛ به طوری که احساسات و خرد آنان را به عمل صالح و همیارانه برای سازمان تبدیل کنیم.

در آغاز سال تحصیلی، برای همه شما از خدای متعال توفیق خدمت صالح و رهبری اثربخش آرزو دارم.